

سیمای فقر کودکان در مناطق ۲۲ گانه

شهر تهران در سال ۱۳۸۷

حسین راغفر*، مریم شیرزادمقدم**، کبری سنگری مهدب***

طرح مساله: کودکان فقیر ضمن سپری کردن دوران کودکی مشقت‌بار، در بزرگسالی نیز تحت تأثیر فقر دوران کودکی هستند و به این ترتیب آینده آن‌ها متأثر از معضلات دوران کودکی خواهد بود. از این‌رو توجه به رفاه کودکان فقط نشان‌دهنده ارزش اخلاقی جامعه نیست بلکه کودکان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و منابع برای آینده هر جامعه‌ای هستند. هدف از انجام این مطالعه شناخت دقیق عوامل موثر بر فقر کودکان در خانوارها است.

روش: این پژوهش درصد ارائه تصویری از ابعاد مختلف فقر اقتصادی کودکان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۷ است. بدین منظور با استفاده از شاخص فوستر - گریر - توریک (۱۹۸۴) به محاسبه نرخ فقر کودکان می‌پردازد و ارتباط فقر کودکان را با ویژگی‌های مختلف خانوار بررسی می‌کند. این مطالعه ویژگی‌های شغلی، سنی، جنسیتی و تحصیلی سرپرست خانوارهای کودکان فقیر را همراه با بعد این خانوارها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به تفکیک مناطق محاسبه می‌کند.

نتایج و یافته‌ها: نتایج مطالعه بیشترین نرخ فقر را در منطقه ۱۹ و کمترین آن را در منطقه ۳ نشان می‌دهد. نرخ فقر کودکان در خانوارهای دارای سرپرست فاقد تحصیلات عالی و شغل غیررسمی بیشتر است. بیشترین نرخ فقر کودکان مربوط به خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات و شغل غیررسمی است.

کلید واژه‌ها: بازار کار، شدت فقر، شکاف فقر، فقر کودکان، نرخ فقر

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۲۵

* دکتری اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا <raghfar@alzahra.ac.ir>

** کارشناس ارشد اقتصاد

*** کارشناس ارشد اقتصاد

مقدمه

اندازه‌گیری ابعاد فقر و پراکندگی آن میان گروه‌های مختلف اجتماعی و مناطق جغرافیایی، اولین گام در جهت شناسایی گروه‌های هدف و اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت کاهش فقر است.

یکی از مهم‌ترین گروه‌های هدف، کودکان هستند؛ کودکان سرمایه انسانی و مهم‌ترین منابع برای آینده هر جامعه‌ای هستند. لذا باید تأمین نیازهای اساسی کودکان و ایجاد زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی آن‌ها، تأمین امکانات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، اقتصادی و سایر حقوق شهروندی آن‌ها در اولویت برنامه دولت‌ها قرار بگیرد. اما متأسفانه علی‌رغم این واقعیت، به ندرت به کودکان و حقوق آن‌ها در طرح و اجرای سیاست‌ها توجه می‌شود و بسیاری از کودکان از دسترسی به حقوق اساسی خود محروم‌اند. محرومیت کودکان از امکانات رفاهی کافی نه تنها آن‌ها را با دشواری‌های گوناگون مواجه می‌کند، بلکه این وضعیت اسفناک در دوران بزرگسالی آنان نیز تکرار می‌شود.

این مطالعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط شهرداری برای اجرای طرح عدالت در شهر تهران در سال ۱۳۸۷ به بررسی سیمای فقر کودکان در مناطق ۲۲گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۷ می‌پردازد. آمار گردآوری شده در این نمونه‌گیری به دلیل گستردگی، که بالغ بر ۲۲۰۰۰ خانوار تهرانی را در بر می‌گرفت، در مقایسه با آمارهای گردآوری شده توسط مرکز آمار ایران، حدود ۱۷۰۰ خانوار، از مزیت بیشتری برخوردار است. ضمن این‌که اطلاعات جمع‌آوری شده در این نمونه‌گیری بسیار جامع‌تر و مشروح‌تر از آمارهای پیمایش‌های بودجه خانوار است. برای مثال آمارهای گردآوری شده توسط شهرداری به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را در بر می‌گیرد، در حالی که پیمایش بودجه خانوار چنین امکانی را فراهم نمی‌کند.

در این مطالعه، ابتدا بر اساس رویکرد نیازهای اساسی خط فقر محاسبه شده، نرخ فقر با استفاده از شاخص فوستر - گریر - توربک (۱۹۸۴) بدست می‌آید. همچنین این مطالعه در حالی که به موضوع فقر کودکان تمرکز دارد، به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های خانوار و

فقر کودکان نیز اشاره می‌کند؛ چرا که در واقع اغلب محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی کودکان فقیر، انعکاس محرومیت خانوادگی آنهاست و این موضوع اهمیت پرداختن به فقر کودکان را برجسته‌تر می‌کند.

(۱) خط فقر مطلق و نسبی

معمولاً بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی تفاوت وجود دارد؛ خط فقر مطلق در طول زمان و فضا ارزش واقعی ثابتی دارد، درحالی که خط فقر نسبی از مخارج متوسط به دست می‌آید. گاهی اوقات خط فقر نسبی به خط فقری اشاره می‌کند که به صورت درصدی از درآمد متوسط یا میانه محاسبه می‌شود. به اعتقاد راولیون (۱۹۹۸) به منظور کمک به تصمیم‌گیری‌های سیاستی ضد فقر، خط فقر باید همیشه در فضای رفاه و به صورت مطلق در نظر گرفته شود. معیار قراردادن خط فقر مطلق تضمین می‌کند که مقایسه‌های انجام شده در مورد فقر سازگار باشند؛ بدین معنا که با دو فرد که سطح رفاه مشابهی دارند، به طور یکسان برخورد می‌شود.

(۲) اندازه‌گیری خط فقر

با مطالعه روش‌هایی که برای اندازه‌گیری خط فقر به کار رفته است می‌توان به دو روش انرژی غذایی و روش هزینه‌های نیازهای اساسی اشاره کرد.

(۲-۱) روش انرژی غذایی^۱

محاسبه سطح مخارج مصرفی یا درآمدی که در آن سطح انرژی غذایی جذب شده برای تأمین احتیاجات از پیش تعیین شده کافی باشد، روش عملی و متداولی در تعیین خطوط فقر به شمار می‌آید. این نیازها بین افراد مختلف و در طول زمان برای یک فرد معین متفاوت‌اند.

1. Food Energy Intakes

۲-۲) روش هزینه‌نیازهای اساسی^۱

در این روش یک سبد مصرفی که به نظر می‌رسد نیازهای اساسی را تأمین می‌کند، تعیین شده و سپس هزینه این سبد برای هر زیرگروه که برای مقایسه از لحاظ میزان فقر در نظر گرفته شده‌اند، تخمین زده می‌شود. در این روش نیازهای اساسی، حداقل نیازهای هنجاری تعریف می‌شود که معمولاً از سوی جامعه برای اجتناب از فقر تعیین شده‌اند، در این صورت فقر با مقایسه مخارج واقعی با هزینه‌نیازهای اساسی اندازه‌گیری می‌شود. در رویکرد خط فقر مطلق دو روش راونتری و اورشانسکی متداول‌ترند. در روش راونتری بعد از تعیین خط فقر غذایی، مقداری درآمد ثابت برای تأمین هزینه حداقل سایر نیازهای اساسی (غیر غذایی) به آن افزوده می‌شود. با توجه به این‌که در این پژوهش برای محاسبه خط فقر از روش اورشانسکی استفاده شده است، در این‌جا به اختصار این روش را توضیح می‌دهیم.

۲-۲-۱) روش اورشانسکی^۲

این روش اولین بار توسط اورشانسکی (۱۹۶۵) برای تعیین خط فقر در ایالات متحده آمریکا استفاده شد. این روش پیشنهادی بعدها به «روش اورشانسکی» معروف شد و در ایالات متحده و نیز بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور ما برای اندازه‌گیری خط فقر مطلق مورد استفاده قرار گرفت. این روش مبتنی بر فرض مشهور «انگل» است. بر مبنای این فرض، خانوارهایی که سهم یکسان از کل درآمدشان را صرف مواد غذایی می‌کنند، دارای سطوح زندگی یکسانی هستند.

در این روش، ابتدا حداقل مخارج لازم برای تهیه مواد خوراکی مورد نیاز فرد تعیین می‌شود. سپس هزینه مواد غیر خوراکی به صورت درصد معینی از هزینه‌های خوراکی به

1. Cost of Basic Needs

2. Orshansky

آن افزوده می‌شود. اگر بردار مواد غذایی مورد نیاز با Xf نشان داده شود و بردار قیمت

آن‌ها با Pf ، آن‌گاه خط فقر خوراکی برابر است با: $FC = P^f \times X^f$

که در آن FC حداقل هزینه‌های خوراکی؛

Pf : قیمت مواد خوراکی؛

Xf : مقدار مواد خوراکی است.

حال ضریب انگل یا همان نسبت غذا به کل مخارج (درآمد) برابر است با:

$$ER = FC/TC$$

ER : نسبت غذا به درآمد کل (ضریب انگل)

TC : کل مخارج (درآمد)

در این صورت معادله خط فقر به این صورت نوشته می‌شود:

$$PL = FC/ER$$

یعنی در محاسبه خط فقر کل از عکس ضریب انگل استفاده می‌شود.

در روش اورشانسکی از میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به مخارج کل افراد جامعه

استفاده می‌شود.

۳) شاخص‌های اندازه‌گیری شدت فقر

شاخص فقر خود یک تابع آماری است که مقایسه ابعاد رفاهی خانوار و خط فقر را برای

کل جمعیت یا برای زیر گروهی از جمعیت به کمیت تبدیل می‌کند. شاخص‌های جایگزین

زیادی وجود دارند اما شاخص‌های زیر بیشترین کاربرد را دارند.

- شاخص سرشمار^۱
- شاخص شکاف فقر^۲
- شاخص مجذور شکاف فقر

1. Headcount Ratio Index

2. Poverty Gap Ratio

۳-۱) شاخص نسبت سرشمار

این شاخص عبارت است از سهم جمعیتی که قادر به خرید سبد کالاهای اساسی نیستند. به عبارت دیگر نسبتی از جمعیت که مصرف یا درآمدشان کمتر از خط فقر است؛ بنابراین دامنه تغییرات این شاخص بین صفر و یک است. این شاخص در حالتی که هیچ فرد فقیر در جامعه وجود نداشته باشد صفر و در حالتی که درآمد کلیه افراد جامعه مساوی یا کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد، برابر یک است. اگر جمعیتی به اندازه n داشته باشیم و q تعداد نفرات فقیر باشد، شاخص سرشمار فقر به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$H = \frac{q}{n}$$

۳-۲) شاخص شکاف فقر

این شاخص اطلاعاتی در خصوص فاصله درآمد خانوارها از خط فقر را فراهم می‌کند. این شاخص میانگین کسری درآمد یا مصرف کل را نسبت به خط فقر برای کل جمعیت محاسبه می‌نماید. به عبارت دیگر شاخص شکاف فقر، میانگین فاصله‌ای است که جمعیت را از خط فقر جدا می‌کند. این میانگین با جمع کلیه کسری‌های افراد فقیر و تقسیم آن بر جمعیت به دست می‌آید. شکاف فقر کل منابعی را که لازم است تا همه فقرا به سطح خط فقر آورده شوند، برآورد می‌کند. این شاخص به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$PG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left[\frac{z - y_i}{z} \right]$$

که در آن n جمعیت، y درآمد یا مصرف و z خط فقر است.

۳-۳) شاخص مجذور شکاف فقر

درحالی که شکاف فقر فاصله‌ای را که فقرا از خط فقر دارند در نظر می‌گیرد، مجذور شکاف فقر، مجذور این فاصله را محاسبه می‌کند. هنگامی که از مجذور شکاف فقر استفاده می‌شود،

وزن بیشتری به فقرایی داده می‌شود که شدت فقر آن‌ها بیشتر است و از فقر بیشتری رنج می‌برند. به عبارت دیگر مجذور شکاف فقر نابرابری میان فقرا را در نظر می‌گیرد.

$$P_2 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left[\frac{z - y_i}{z} \right]^2$$

در واقع شکاف فقر و مجذور شدت فقر بر آن دسته از افراد که دورتر از خط فقر هستند، یعنی فقیرترین فقرا، تأکید بیشتری می‌نماید.

شاخص فوستر، گریر، توربک (۱۹۸۴) کلیه سنجه‌های سرشمار فقر، شکاف فقر و مجذور شکاف فقر را اندازه‌گیری می‌کند. فرمول کلی این گروه از شاخص‌های فقر به پارامتر α بستگی دارد که بیانگر درجه انزجار از فقر است. مقدار این پارامتر برای شاخص سرشمار فقر برابر صفر، برای شکاف درآمدی برابر یک، و برای مجذور شکاف فقر برابر دو است. فرمول شاخص فوستر و همکاران به صورت زیر است:

$$P_\alpha = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left[\frac{z - y_i}{z} \right]^\alpha$$

که در آن n کل جمعیت، q تعداد فقرا، z خط فقر، y_n درآمد (مصرف) خانواده n ام و α ضریب انزجار از فقر است.

۴) عوامل تعیین‌کننده فقر کودکان

عوامل متعددی در شکل‌گیری فقر کودکان موثرند که در این بخش به بررسی بعضی از آن‌ها می‌پردازیم.

الف) رشد اقتصادی پایین و نابرابری در توزیع درآمد: مهم‌ترین عوامل در رفاه کودکان رشد اقتصادی، اشتغال و توزیع درآمد است. کند بودن رشد اقتصادی به همراه افزایش تورم و بیکاری باعث افزایش فقر و کاهش رفاه می‌گردد. اما فقط رشد اقتصادی پایین، به فقر منجر نمی‌شود. بلکه گاهی حتی در شرایط رشد اقتصادی نیز به دلیل نابرابری در توزیع درآمد ما شاهد افزایش فقر و کاهش رفاه هستیم.

ب) سلامت کودکان: بهبود سلامت کودکان وابسته به کیفیت خدمات بهداشتی و سلامت و دسترسی آن‌ها به این خدمات است. عدم توجه کافی و فقدان حمایت‌های اساسی در ارائه این خدمات و نیز عدم تخصیص بودجه کافی برای تامین این خدمات باعث فرسایش تدریجی این زیر ساخت‌ها خواهد شد.

شرایط اقتصادی و فرهنگی نامساعد خانوار، به احتمال زیاد کودکان را با مشکلاتی نظیر بیماری‌های مادرزادی، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و دارویی، بیماری‌های روحی و اشکال دیگر ناامنی‌های سلامتی مواجه می‌سازد.

ج) فرسایش خانوار: معضلهایی چون اعتیاد، طلاق مشکلات عاطفی و محرومیت‌های مالی در خانوارها باعث افسردگی، کاهش امید به زندگی و کاهش عزت نفس و بروز جرم و جنایت و بزهکاری در کودکان می‌شود. اگرچه نهادهای دیگری نیز در افزایش جرم و جنایت کودکان موثرند، بی‌تردید خانواده نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ویژگی‌های خانوار از نظر جنسیت، سن، تحصیلات، شغل سرپرست خانوار و بعد خانوار بر شرایط اقتصادی و فرهنگی خانوار و کودکان تأثیرگذار است.

د) عوامل جمعیتی: رشد جمعیت و عدم سیاست‌گذاری صحیح به منظور تأمین امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی، افزایش مشکلاتی چون بیکاری، فقر و مشکلات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در این زمینه می‌توان به رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۰ اشاره کرد که به علت عدم مدیریت صحیح منابع و سیاست‌گذاری‌های لازم، این گروه هم‌اکنون در سن اشتغال قرار دارند ولی به دلیل فقدان شغل کافی، گروه زیادی از این خانوارها با فقر مواجه شده‌اند. به این ترتیب ارتباط بین افزایش جمعیت و فقر زمانی برجسته‌تر می‌شود که نرخ رشد جمعیت از نرخ رشد اقتصادی بیشتر باشد؛ در این صورت به احتمال زیاد افزایش جمعیت موجب افزایش فقر می‌شود.

افزایش بیکاری، فقر و معضلات اجتماعی ناشی از آن را در پی خواهد داشت که این امر نه تنها با کسانی که به طور مستقیم با این مسأله دست به گریبان‌اند آسیب می‌زند، بلکه با ایجاد احساس ناامنی و کاهش رفاه زندگی، همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(۵) پیشینه تحقیق

به علت فقدان داده‌های آماری، مطالعات کمی صورت گرفته در این زمینه بسیار نادر و این مطالعه جزء نخستین مطالعات در زمینه فقر کودکان در ایران است. این در حالی است که تحقیقات مستمر و گسترده‌ای در کشورهای صنعتی در مورد فقر کودکان صورت می‌گیرد. به علت گستردگی طیف این مطالعات و محدودیت، در این جا تنها به سه نمونه اشاره‌ای مختصر می‌کنیم.

- ایمن، وو، ژانگ (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اثر بخشی و محدودیت‌های اعتبار مالیاتی کسب شده در کاهش فقر کودک در ایالات متحده» به مطالعه فقر کودکان در ایالات متحده می‌پردازد. براساس مقایسه بین المللی، ایالات متحده نرخ بالایی از فقر کودک را داراست. اعتبار درآمد مالیاتی کسب شده^۱، که منابعی به نفع خانوارهای کم درآمد را فراهم می‌سازد و پس از در دهه ۱۹۹۰ توسعه پیدا کرد، در حال حاضر قسمت اعظمی از پرداخت‌های انتقالی نقدی این کشور به خانوارهای فقیری است که دارای کودک هستند. این مقاله مؤلفه‌های تاریخی اعتبار مالیات درآمد کسب شده را بررسی می‌کند و به بررسی اثربخشی این سیاست‌ها در کاهش فقر کودکان در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که درصد تقلیل در نرخ فقر کودک ناشی از اعتبار مالیات کسب شده به‌طور قابل ملاحظه‌ای در این سال‌ها افزایش داشته است. (بیشترین درصد مربوط به سال ۲۰۰۵ است). آن‌ها سپس چهار فرضیه برای کاهش فقر کودکان در اثر اجرای این سیاست‌ها پیشنهاد می‌دهند.

- هورنبرگ و پائولی (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فقر کودک و عدالت محیطی» معتقدند که فقر کودک و نابرابری اجتماعی در کشورهای غربی، هم در دامنه و هم در پیچیدگی، در حال گسترش است. دسته‌بندی فقر درآمدی در شهر، فرایند پیچیده منزوی شدن را در پی دارد. زندگی به دور از همسایه‌ها با فقر زیاد و سطوح زندگی غالب معمولاً

1. Earned Income Tax Credit

همراه با فقر جسمی و شرایط زندگی اجتماعی در ابعاد فردی و اجتماعی است که سلامت کودک را هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم متأثر می‌سازد و تغییر می‌دهد. این مقاله نشان می‌دهد که داده‌های تحقیقی در مورد بین فقر کودک و نابرابری‌های سلامتی ارتباط تنگاتنگی با درآمد، مخاطرات محیطی، مانند توزیع نابرابر منابع زیستی در محیط زیست بومی و نابرابری‌های محیطی سلامتی و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با محیط زیست ساخت بشر دارد.

- **هاوزرکرام، دوراند، وارفیلد (۲۰۰۷)**، در مقاله‌ای تحت عنوان «احساسات اولیه درباره مدرسه و نتایج بعدی دانشگاه کودکان با نیازهای ویژه که در فقر بسر می‌برند» به بررسی این دسته از کودکان در ایالات متحده می‌پردازند. در این بررسی احساسات گزارش شده کودکان درباره مدرسه در خلال دوران مهدکودک، سال‌های اول ابتدایی و یا در پایان سال پنجم مورد آزمون قرار می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در این آزمون دو گروه‌اند: کودکانی که در سال‌های اولیه تحصیل در فقر به سر می‌بردند و آن‌هایی که در سال‌های ابتدایی به دلیل نیازهای ویژه تحت آموزش انفرادی بودند. نتایج نشان می‌دهند که احساسات زود هنگام درباره مدرسه پیامدهای پنج سال آتی را پیش‌بینی می‌کند و این پیش‌بینی بر اساس ارزیابی در سن پنج سالگی اتفاق می‌افتد. همچنین احساسات مثبت در پنج سال ابتدایی زمینه‌ساز موفقیت در سال‌های بعدی و نیز آموزش‌های دوره دانشگاه است.

۶) سیمای فقر کودک در شهر تهران

در این بخش به بررسی سیمای فقر کودک در شهر تهران و ارتباط آن با ویژگی‌های سرپرست خانوار شامل جنسیت، نوع شغل (رسمی - غیررسمی)^۱ و میزان تحصیلات می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در تعیین فقر کودکان با توجه به نوع و کیفیت داده‌ها به دو روش عمل می‌شود؛ در مواردی که داده‌های توزیع درون خانوار و نیز اطلاعات مربوط

۱. در این مطالعه مشاغل غیررسمی مشاغلی هستند که مالیات نمی‌پردازند. مانند دستفروش‌ها، راننده‌های مسافرتی، کارگران ساختمانی و از این قبیل مشاغل.

به کیفیت رفاه کودکان از قبیل تغذیه، بهداشت، آموزش، مسکن، و اوقات فراغت موجود باشند، در این صورت، فقر کودکان به طور مستقیم اندازه‌گیری می‌شود. در مواردی که چنین داده‌هایی در دسترس نباشد وضعیت فقر کودکان در خانوارهای فقیر بررسی می‌شود. این مطالعه به دلیل فقدان اطلاعات مربوط به کودکان از روش دوّم استفاده می‌کند.

۱-۶) نرخ فقر کودکان در شهر تهران

در این مطالعه برای تعیین خط فقر، ارزش پولی سبد غذایی تعیین شده توسط انستیتو تغذیه برای یک فرد بزرگسال بر حسب ۲۰۰۰ کیلو کالری در روز محاسبه شد. سپس با محاسبه نسبت مخارج غذا به کل مخارج، که از مخارج خانوارهای نمونه محاسبه گردید، حداقل هزینه مورد نیاز برای یک فرد بزرگسال محاسبه شد. این میزان به عنوان خط فقر یک فرد بزرگسال در نظر گرفته شد و سپس با استفاده از روش مقیاس معادل، حداقل مخارج مورد نیاز برای خانوارهای دو نفر و بیشتر با توجه به خط فقر خانواده یک نفره محاسبه گردید. در ادامه، خانوارهای فقیر از خانوارهای غیرفقیر متمایز شدند. پس از شناسایی خانوارهای فقیر به تفکیک بعد آن‌ها، تعداد کودکان در خانوارهای فقیر محاسبه شده و نرخ فقر کودکان در شهر تهران به دست می‌آید.

۲-۶) توزیع فقر در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

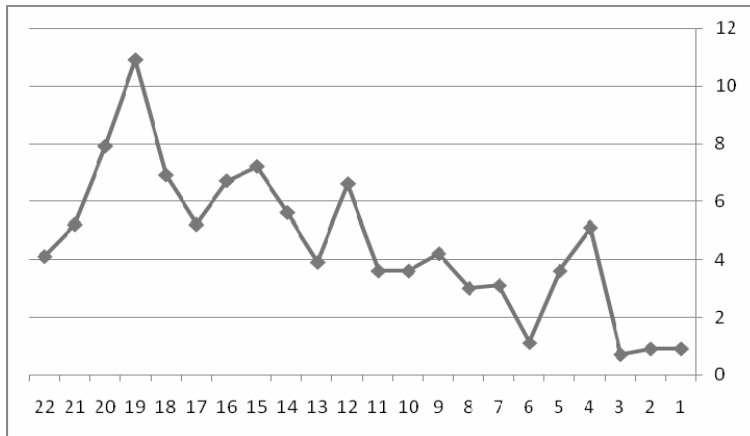
در این جا می‌توان نشان داد کودکان فقیر، چگونه در مناطق مختلف تهران توزیع شده‌اند. برای این منظور فقر کودکان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران محاسبه شده است و نتایج آن در جدول و نمودار شماره ۱ ارائه می‌شوند:

جدول ۱: درصد فقر کودکان در هر منطقه

درصد فقر	منطقه	درصد فقر	منطقه
۶/۶	۱۲	۰/۹	۱
۳/۹	۱۳	۰/۹	۲
۵/۶	۱۴	۰/۷	۳
۷/۲	۱۵	۵/۱	۴
۶/۷	۱۶	۳/۶	۵
۵/۲	۱۷	۱/۱	۶
۶/۹	۱۸	۳/۱	۷
۱۰/۹	۱۹	۳	۸
۷/۹	۲۰	۴/۲	۹
۵/۲	۲۱	۳/۶	۱۰
۴/۱	۲۲	۳/۶	۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱: درصد فقر بچه‌ها در هر منطقه



مشاهده می‌شود ۱۰/۹ درصد از کل کودکان فقیر در منطقه ۱۹ و ۰/۷ درصد در منطقه ۳ هستند ساکن‌اند، که به ترتیب بیشترین و کمترین توزیع فراوانی تعداد کودکان فقیر در این دو منطقه هستند.

توزیع فقر کودکان در شهر تهران را می‌توان به صورت دیگری نیز بیان داشت. جدول و نمودار شماره ۳، درصد کودکان فقیر هر منطقه را نسبت به کل کودکان آن منطقه، در مناطق مختلف شهر تهران نشان می‌دهد:

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد بیشترین نرخ فقر مربوط به منطقه ۱۹ است؛ ۶۵/۶ درصد از کودکان منطقه ۱۹ فقیر هستند که معادل ۱۰/۹ درصد از کل کودکان فقیر شهر تهران را شامل می‌شود. کمترین نرخ فقر نیز مربوط به منطقه سه است با حدود ۱۵ درصد از کودکان منطقه که معادل ۰/۷ درصد از کل کودکان فقیر شهر تهران را دربرمی‌گیرد.

۷) بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهر تهران با ویژگی سرپرست خانوار

می‌توان سنجه‌های p_0 ، p_1 و p_2 را با توجه مناطق ۲۲ گانه، سن سرپرست خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، بعد خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار، نوع شغل سرپرست خانوار محاسبه و بررسی کرد. به منظور مقایسه نرخ فقر خانوار و نرخ فقر کودکان در جداول زیر نرخ فقر کودکان با p_0c نشان داده شده است.

۷-۱) شاخص‌های فقر در مناطق ۲۲ گانه تهران

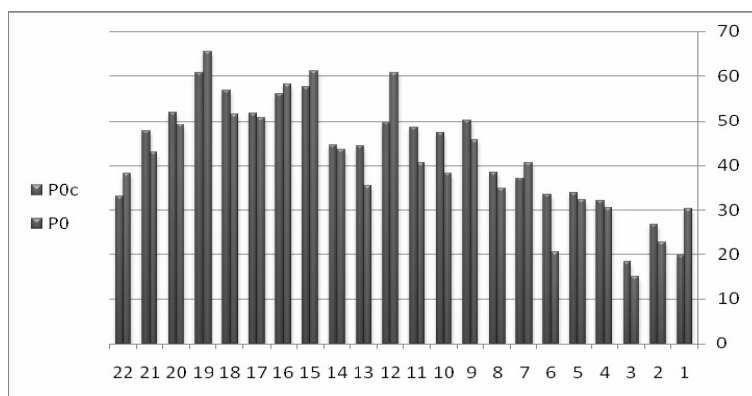
جدول شماره ۲ نرخ فقر کودکان، نرخ فقر، شکاف فقر و شدت فقر خانوار را در مناطق ۲۲ گانه تهران نشان می‌دهد.

جدول ۲: نرخ فقر کودکان و شاخص‌های فقر خانوار در مناطق شهر تهران، ۱۳۸۷

منطقه	P _{0c}	P ₀	P ₁	P ₂	منطقه	P _{0c}	P ₀	P ₁	P ₂
۱	۳۰/۱۸	۱۹/۸۳	۴/۶	۱/۶۲	۱۲	۶۰/۷۱	۴۹/۵۳	۱۳/۸۳	۵/۴۱
۲	۲۲/۵۸	۲۶/۷۴	۶/۸۶	۲/۴۶	۱۳	۳۵/۳۷	۴۴/۲۶	۱۱/۸۴	۴/۵۴
۳	۱۵	۱۸/۴۶	۴/۳۵	۱/۵۹	۱۴	۴۳/۴۳	۴۴/۵۴	۱۱/۳۵	۴/۰۶
۴	۳۰/۴	۳۲/۱۰	۷/۵۵	۲/۶۲	۱۵	۶۱/۱۱	۵۷/۵۳	۱۴/۵۱	۵/۰۵
۵	۳۲/۱۸	۳۳/۸۶	۸/۷۰	۳/۱۵	۱۶	۵۸/۱۴	۵۶/۰۲	۱۴/۶۴	۵/۲۵
۶	۲۰/۴۵	۳۳/۳۷	۷/۸۵	۲/۷۱	۱۷	۵۰/۶۷	۵۱/۷۶	۱۲/۵۵	۴/۳۶
۷	۴۰/۶۸	۳۷/۱۱	۹/۵۲	۳/۵۲	۱۸	۵۱/۴۶	۵۶/۸۰	۱۵/۱۶	۵/۴۹
۸	۳۴/۸۵	۳۸/۴۶	۱۰/۳۱	۳/۸۶	۱۹	۶۵/۶	۶۰/۶۸	۱۶/۷۰	۶/۲۸
۹	۴۵/۷۱	۵۰/۱۱	۱۲/۸۰	۴/۴۱	۲۰	۴۹/۱۸	۵۱/۸۱	۱۳/۷۹	۴/۹۸
۱۰	۳۸/۳۵	۴۷/۲۷	۱۳/۰۲	۵/۰۵	۲۱	۴۲/۸۶	۴۷/۵۶	۱۱/۹۷	۴/۲۲
۱۱	۴۰/۵۸	۴۸/۴۲	۱۳/۶۷	۵/۲۸	۲۲	۳۸/۲۷	۳۲/۹۴	۷/۵۶	۲/۶۴

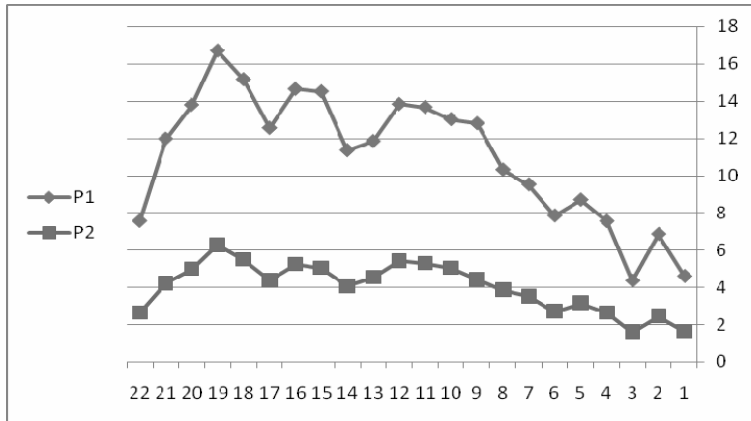
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۲: نرخ فقر کودکان و نرخ فقر خانوار در مناطق ۲۲ گانه تهران، ۱۳۸۷



همان‌طور که در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌شود بیشترین درصد نرخ فقر کودکان در منطقه ۱۹ و کمترین درصد نرخ فقر کودکان مربوط به منطقه سه می‌باشد.

نمودار ۳: شکاف فقر و شدت فقر در مناطق ۲۲ گانه تهران، ۱۳۸۷



در نمودار شماره ۳ می‌بینید که بیشترین درصد نرخ فقر، شکاف فقر و شدت فقر، مربوط به منطقه ۱۹ و کمترین درصد فقر، شکاف فقر و شدت فقر مربوط به منطقه سه است.

۷-۲) نرخ فقر کودکان، شاخص‌های فقر خانوار بر حسب بعد خانوار

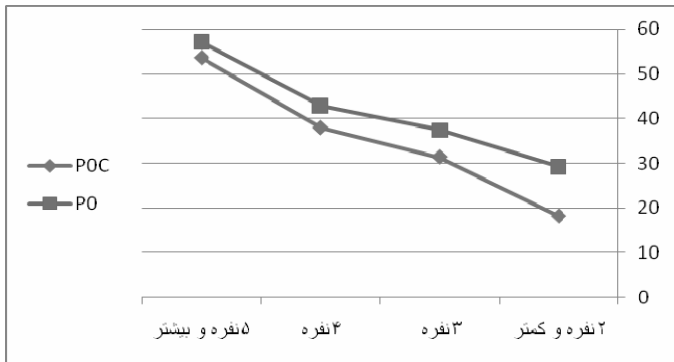
شاخص‌های فقر را با توجه به بعد خانوار نیز می‌توان محاسبه نمود. با توجه به توزیع نمونه در ابعاد خانوار، خانوارهای مناطق تهران را به چهار گروه تقسیم کردیم. به طوری که توزیع فراوانی مشابهی در این گروه‌ها وجود داشته باشد. برای هرگروه نرخ فقر بچه‌ها، نرخ فقر خانوار، شکاف و شدت فقر در خانوارهای فقیر به شرح جدول شماره ۵ به دست آمده است:

جدول ۴: نرخ فقر کودکان و شاخص‌های فقر خانوار برحسب بعد خانوار، ۱۳۸۷

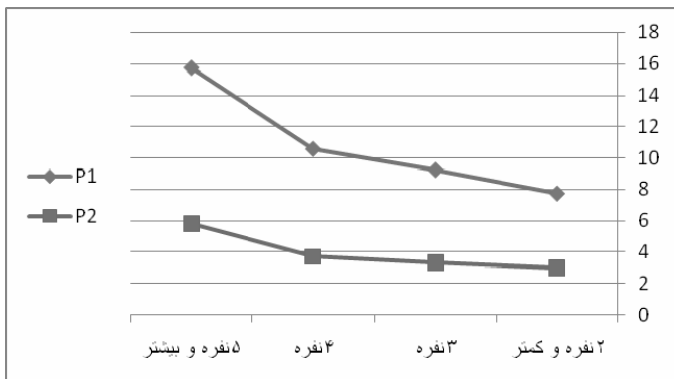
بعد خانوار	P_{0c}	P_0	P_1	P_2
۲ نفره و کمتر	۱۸/۱۱	۲۹/۲۱	۷/۷۴	۲/۹۹
۳ نفره	۳۱/۳۵	۳۷/۴۰	۹/۲۴	۳/۳۲
۴ نفره	۳۷/۸۷	۴۲/۸۶	۱۰/۵۷	۳/۷
۵ نفره و بیشتر	۵۳/۵۰	۵۷/۱۲	۱۵/۷۵	۵/۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۴: نرخ فقر و نرخ فقر کودکان با توجه به بعد خانوار، ۱۳۸۷



نمودار ۵: شدت و شکاف فقر با توجه به بعد خانوار، ۱۳۸۷



جدول شماره ۴ نرخ فقر کودکان و نیز نرخ فقر خانوارهای ساکن تهران را برحسب وقوع، شدت و نابرابری بین فقرا، نمودار شماره ۴ نرخ فقر کودکان و نرخ فقر خانوار و نمودار شماره ۵ شدت و شکاف فقر را نشان می‌دهند. به عنوان مثال حدود ۳۸ درصد کودکان فقیر در خانوارهای چهار نفره به سر می‌برند و شدت و شکاف فقر آنها به ترتیب ۱۰/۵۷ و ۳/۷ است.

این نتایج گویای این مطلب است که نرخ فقر در خانوارهای با جمعیت بالاتر، بیشتر است؛ همچنین شکاف و شدت فقر نیز با افزایش جمعیت خانواده افزایش می‌یابد.

۳-۷) نرخ فقر کودکان و شاخص‌های فقر خانوار برحسب نوع شغل سرپرست خانوار

اکنون می‌توان نرخ فقر کودک و شاخص‌های فقر را با توجه به نوع شغل سرپرست خانوار به صورت زیر به دست آورد.

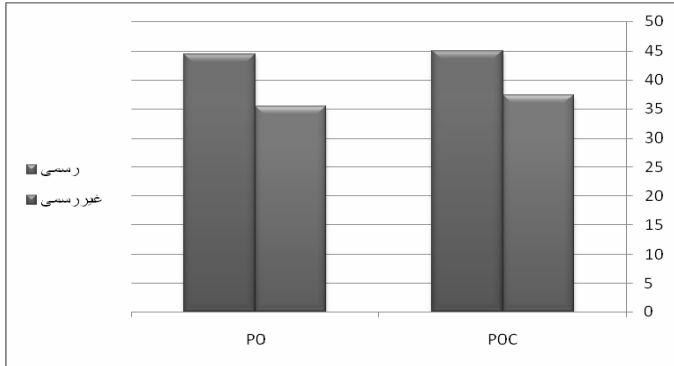
جدول ۵: نرخ فقر کودکان و خانوارهای فقیر با توجه به نوع شغل سرپرست خانوار، ۱۳۸۷

وضعیت شغلی	P_{0c}	P_0	P_1	P_2
رسمی	۳۷/۴۲	۳۵/۴۴	۹/۱۱	۳/۲۹
غیررسمی	۴۵/۰۲	۴۴/۴۴	۱۱/۶۱	۴/۲۳

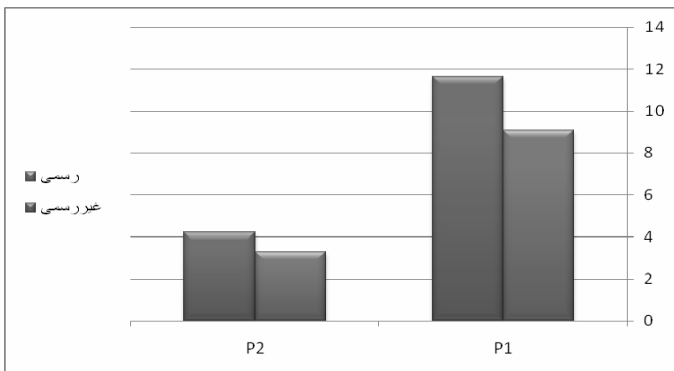
منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود که نرخ فقر کودکان در خانوارهای با شغل رسمی در شهر تهران نزدیک به ۳۸ درصد و در خانوارهای با مشاغل غیر رسمی ۴۵ درصد است.

نمودار ۶: نرخ فقر و نرخ فقر کودکان با توجه به نوع شغل سرپرست خانوار، ۱۳۸۷



نمودار ۷: شدت و شکاف فقر با توجه به نوع شغل سرپرست خانوار، ۱۳۸۷



همچنین شکاف و شدت فقر در خانوارهایی که مشاغل غیررسمی دارند، بالاتر از مشاغل رسمی به دست آمده است. نرخ فقر کودکان در هر دو دسته از مشاغل رسمی و غیررسمی بیشتر از نرخ فقر سرپرست خانوار است. یکی از نتایج این جدول در مقایسه بین درصد کودکان فقیر و درصد خانوارهای فقیر این است که تعدادی از خانوارهای فقیر

فاقد کودک هستند و همچنین نسبت کودکانی که در خانوارهای فقیر دارای سرپرست با شغل غیررسمی هستند، بیشتر است.

۷-۴) نرخ فقر کودکان و شاخص‌های فقر خانوار برحسب تحصیلات سرپرست خانوار

می‌توان خانوارها را بر اساس تحصیلات سرپرست خانوار به دو گروه دارای تحصیلات عالی و فاقد تحصیلات عالی تقسیم کرد که گروه اول دارای تحصیلات فوق دیپلم و یا بالاتر هستند و گروه دوم تحصیلات دیپلم و یا کمتر دارند، نتایج به شرح جدول شماره ۷ است:

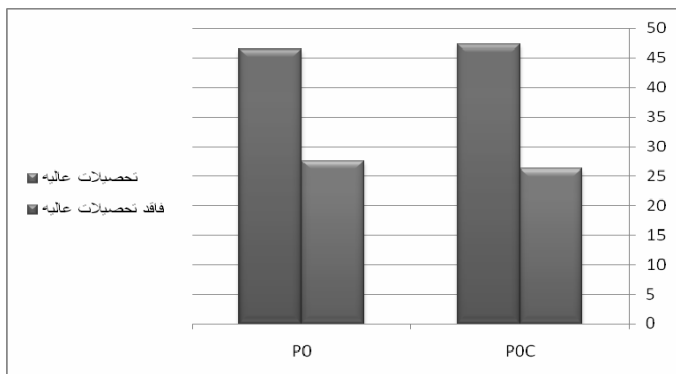
جدول ۶: رابطه تحصیلات سرپرست خانوار با نرخ فقر کودکان، نرخ فقر خانوار، شکاف و

شدت فقر، ۱۳۸۷

تحصیلات	P _{0c}	P ₀	P ₁	P ₂
تحصیلات عالی	۲۶/۲۶	۲۷/۴۱	۶/۶۶	۲/۲۸
فاقد تحصیلات عالی	۴۷/۱۸	۴۶/۴۱	۱۲/۱۳	۴/۴۵

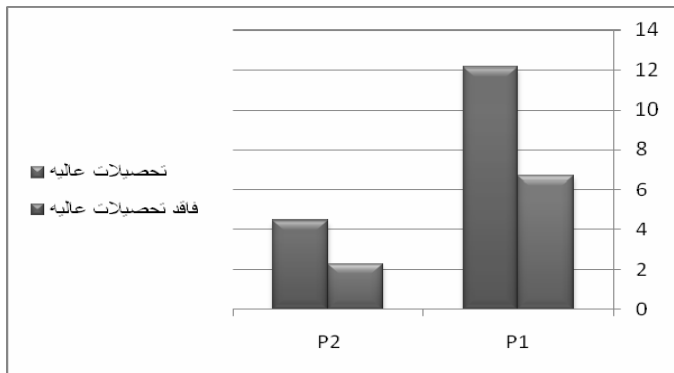
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۸: نرخ فقر کودکان و نرخ فقر خانوار با توجه به تحصیلات سرپرست خانوار، ۱۳۸۷



مشاهده می‌شود که نرخ فقر کودکان در خانوارهای با تحصیلات عالی سرپرست خانوار ۲۶/۲۶ درصد و در خانوارهای فاقد تحصیلات عالی، این نرخ حدود دو برابر افزایش یافته است.

نمودار ۹: شدت و شکاف فقر با توجه به تحصیلات سرپرست خانوار، ۱۳۸۷



همین‌طور نرخ فقر، شکاف و شدت فقر در خانوارهای با سرپرست فاقد تحصیلات عالی حدود دو برابر خانوارهای با تحصیلات عالی است.

۷-۵) نرخ فقر کودکان و شاخص‌های فقر خانوار و جنسیت سرپرست خانوار

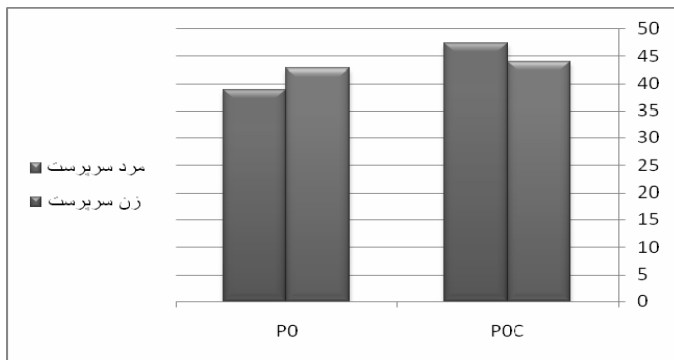
نرخ فقر کودکان، نرخ فقر خانوار، شدت و شکاف فقر با توجه به جنسیت سرپرست خانوار در جدول شماره ۷ نشان داده شده است:

جدول ۷: شاخص‌های فقر با توجه به جنسیت سرپرست خانوار

جنسیت	P _{0c}	P ₀	P ₁	P ₂
مرد سرپرست	۴۳/۸۴	۴۲/۸۳	۱۰/۹۹	۳/۹۷
زن سرپرست	۴۷/۳۲	۳۸/۷۹	۱۰/۹۶	۴/۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱۰: نرخ فقر و نرخ فقر کودکان با توجه به جنسیت سرپرست خانوار، ۱۳۸۷



همان‌طور که ملاحظه می‌کنید نرخ فقر کودکان در خانوارهای مردسرپرست ۴۳/۸۴ و نرخ فقر کودکان در خانوارهای زن سرپرست ۴۷/۳۲ که می‌توان نتیجه گرفت کودکانی که در خانوارهای زن سرپرست به سر می‌برند در مقایسه با کودکان در خانوارهای مرد سرپرست، درمقابل فقر آسیب‌پذیرترند.

۶-۷) نرخ فقر کودکان با توجه به تفکیک تعداد کودکان در خانوارها

می‌توان نرخ فقر خانوارهای ساکن شهر تهران را با توجه به تعداد کودکان در خانوارها با ابعاد مختلف تفکیک کرد؛ در این‌جا به خانوارهای چهار و پنج نفره می‌پردازیم. جداول زیر نرخ فقر، شدت و شکاف فقر را به ترتیب در خانوارهای چهار و پنج نفره نشان می‌دهند.

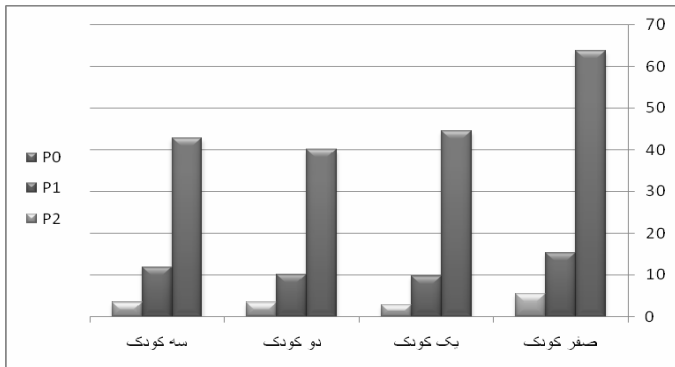
جدول ۸: نرخ فقر، شدت و شکاف فقر در خانوارهای ۴ نفره، ۱۳۸۷

P2	P1	P0	تعداد کودکان
۵/۳۳	۱۵/۲۷	۶۳/۸۸	بدون کودک
۲/۹۲	۹/۵۹	۴۴/۵۱	یک کودک
۳/۳۷	۱۰/۰۷	۴۰/۱۵	دو کودک
۳/۵۰	۱۱/۷۴	۴۲/۸۵	سه کودک

منبع: یافته‌های پژوهش

به عنوان مثال نرخ فقر خانوارهای چهار نفره که کلیه اعضای آن بزرگسال‌اند، ۶۳/۸۸ درصد از کل خانوارهای ۴ نفره بزرگسال است. همچنین نرخ فقر خانوارهای دارای یک بزرگسال و سه کودک، ۴۲/۸۵ درصد کل خانوار چهار نفره شامل سه کودک و یک بزرگسال است.

نمودار ۱۱: نرخ فقر، شدت و شکاف فقر در خانوارهای ۴ نفره، ۱۳۸۷



نمودار شماره ۱۱ نرخ فقر، شدت و شکاف فقر را در خانوارهای چهار نفره با توجه به جدول شماره ۸ نشان می‌دهد.

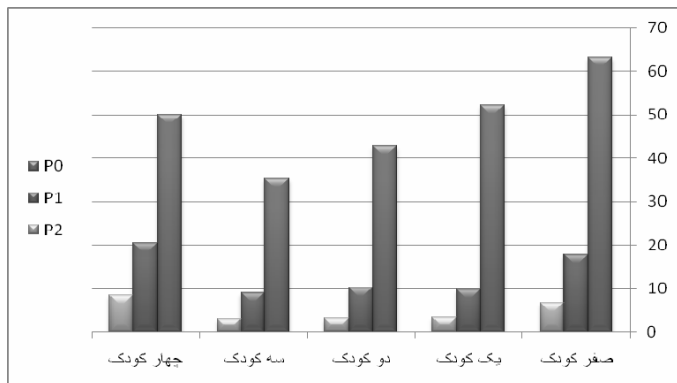
جدول ۹: نرخ فقر، شدت و شکاف فقر در خانوارهای ۵ نفره، ۱۳۸۷

P2	P1	P0	تعداد کودکان
۶/۷۱	۱۷/۷۸	۶۳/۱۵	بدون کودک
۳/۴۵	۹/۸۸	۵۲/۱۶	یک کودک
۳/۳۲	۱۰/۲۰	۴۲/۸۰	دو کودک
۳/۱۵	۸/۹۹	۳۵/۳۷	سه کودک
۸/۴۴	۲۰/۴۸	۵۰	چهار کودک

منبع: یافته‌های پژوهش

همین‌طور در جدول شماره ۹ و نمودار شماره ۱۲ مشاهده می‌شود که نرخ فقر خانوارهای پنج نفره که کلیه اعضای آن بزرگسال‌اند، ۶۳/۱۵ درصد از کل خانوارهای پنج نفره بزرگسال است. همچنین نرخ فقر خانوارهایی که یک بزرگسال و چهار کودک دارند ۵۰ درصد از کل خانوار پنج نفره، شامل چهار کودک و یک بزرگسال است. نمودار شماره ۱۲ نرخ فقر، شدت و شکاف فقر را در خانوارهای پنج نفره با توجه به جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد.

نمودار ۱۲: نرخ فقر، شدت و شکاف فقر در خانوارهای ۵ نفره، ۱۳۸۷



همان‌طور که می‌بینید در صورت افزایش فرزندان زیر ۱۸ سال، نرخ فقر کاهش می‌یابد. برای بررسی دقیق‌تر موضوع می‌توان به جدول شماره ۱۰ رجوع کرد.

جدول ۱۰: مقیاس معادل برای خانوار ۳، ۴ و ۵ نفره با توجه به تعداد کودکان در خانوار

پنج نفره	چهار نفره	سه نفره	بعد خانوار تعداد بچه‌ها
۳/۹	۳/۲	۲/۵	بدون کودک
۳/۵	۲/۸	۱/۲	یک کودک
۲/۸	۲/۴	۱/۶	دو کودک و بیشتر

منبع: یافته‌های پژوهش

مشاهده می‌شود که مقیاس معادل برای خانوار چهار نفره فاقد کودک ۳/۲، خانوار دارای یک کودک ۲/۸ و خانوار دارای دو یا سه کودک مقیاس معادل ۲/۴ به دست می‌آید.^۱ همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد با افزایش تعداد بزرگسالان، مقیاس معادل خانوار افزایش یافته است. به عنوان مثال مقیاس معادل برای خانوار چهار نفره‌ای که تمام افراد بالای ۱۸ سال سن، دارند بالاتر از خانوار چهار نفره‌ای است که یک فرزند یا دو فرزند زیر ۱۸ سال دارند. خط فقر با توجه به بعد خانوار و تعداد کودکان محاسبه شده است.^۲

۱. مقیاس معادل برای خانوار یک نفره بر اساس معادله $AE = (A + 0.4K)^{0.88}$ برابر با یک محاسبه می‌شود و برای سایر خانوارها با ابعاد مختلف و تعداد کودکان متفاوت محاسبه می‌شود که خانوارهای ۳، ۴ و ۵ نفره به شرح جدول شماره ۱۱ می‌باشد.

۲. خواننده علاقه‌مند می‌تواند برای اطلاع از مقدار این خطوط فقر با نویسنده مسئول این مقاله تماس بگیرد.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که خط فقر برای خانوارهای با اندازه ثابت با افزایش تعداد کودکان کاهش می‌یابد. به عنوان مثال نرخ فقر در خانوارهای پنج نفره که فاقد کودک‌اند، و بنابراین شامل پنج بزرگسال است، حدود ۹ میلیون ریال و این نرخ دارای دو کودک و بیشتر به حدود هفت میلیون ریال کاهش پیدا کرده است که دلیل این امر احتمالاً هزینه‌های کمتر کودکان در مقایسه با بزرگسالان است؛ باید در نظر داشت که عمده هزینه‌های فرزندان زیر ۱۸ سال، هزینه امکانات آموزش و تحصیل است و بخشی از این هزینه‌ها در کشور ما به دلیل وجود خدمات عمومی نسبتاً پایین است، در حالی که تحصیل برای فرزندان بالای ۱۸ سال، که تحصیلات دانشگاهی است، ممکن است هزینه‌های بالاتری بر خانوار تحمیل کند. بنابراین خط فقر بالاتری را به همراه خواهد داشت. از این رو همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد نرخ فقر در خانوارهای با فرزندان بالای ۱۸ سال در مقایسه با خانوهای با بعد مشابه و فرزندان زیر ۱۸ سال بالاتر است.

۷-۷) نرخ فقر کودک با توجه به سن سرپرست خانوار و بعد خانوار

اکنون ارتباط فقر کودکان را با سن سرپرست خانوار بررسی می‌کنیم.

جدول ۱۱: نرخ فقر کودک فقر با توجه به سن سرپرست خانوار و بعد آن، ۱۳۸۷

Min-Max	فراوانی	P _{0c}	گروه بندی سنی
۲-۱۲	۶۷	۴۴/۶۱	۱۴-۲۴
۱-۱۰	۲۸۶۲	۳۹/۷۵	۲۵-۴۴
۱-۱۳	۲۴۳۴	۴۴/۳۴	۴۵-۵۴
۱-۱۱	۱۹۴۵	۵۱/۹۴	۵۵-۶۴
۱-۱۶	۱۸۸۰	۶۰/۵۰	۶۵ و بیشتر

منبع: یافته‌های پژوهش

به عنوان مثال در گروه سنی ۵۴-۴۵ نرخ فقر کودکان ۴۴/۳۴ درصد است و فراوانی را در نمونه دارا می‌باشند که به دلیل تعداد کم آنها تاثیر چندانی در نرخ فقر کودکان ندارد. در گروه‌بندی سنی ۶۵ و بیشتر نرخ فقر ۶۰/۵ درصد است که بالاترین نرخ فقر کودکان است، این مسئله می‌تواند ناشی از فقر فرهنگی در خانوارهای با سرپرست‌های ۶۵ سال و بیشتر باشد که، علی‌رغم بعد بالای خانوار و سن بالای سرپرست خانوار، فرزند زیر ۱۸ سال دارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمال وقوع فقر کودکان در چنین خانوارهایی بالا باشد.

۷-۸) سیمای فقر کودک در تهران بر حسب جنسیت، نوع شغل و تحصیلات سرپرست خانوار

اکنون به محاسبه نرخ فقر کودکان برحسب ویژگی‌های شغلی و تحصیلات سرپرست خانوارها می‌پردازیم. بر اساس جدول شماره ۱۲، در شاخه خانوارهای مرد سرپرست فاقد تحصیلات عالی رسمی ۴۷/۸۴ درصد از جمعیت کودکان فقیر و ۵۲/۱۶ درصد غیرفقیر هستند. به طور مشابه در شاخه خانوارهای مرد سرپرست فاقد تحصیلات عالی غیررسمی ۴۶/۶۷ درصد از جمعیت کودکان فقیر و ۵۳/۳۳ درصد غیرفقیرند.

جدول ۱۲: سیمای فقر کودکان در خانوارهای مرد سرپرست بر حسب جنسیت سرپرست

خانوار و به تفکیک نوع شغل و تحصیلات

مرد سرپرست							
غیررسمی				رسمی			
فاقد تحصیلات عالی		تحصیلات عالی		فاقد تحصیلات عالی		تحصیلات عالی	
غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر
۵۳/۳۳	۴۶/۶۷	۶۵/۳۹	۳۴/۶۱	۵۲/۱۶	۴۷/۸۴	۷۰/۵۹	۲۹/۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول شماره ۱۳ ملاحظه می‌شود در خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات عالی رسمی ۲۱/۴۳ درصد از جمعیت کودکان فقیر و ۷۸/۵۷ درصد غیر فقیر محسوب می‌شوند و همین‌طور از خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات عالی غیررسمی ۶۳/۴۱ درصد از جمعیت کودکان فقیر و ۳۶/۵۹ درصد از جمعیت کودکان در آن شاخه غیرفقیر محسوب می‌شوند.

جدول ۱۳: سیمای فقر کودکان در خانوارهای مرد سرپرست بر حسب جنسیت سرپرست خانوار و به تفکیک نوع شغل و تحصیلات

زن سرپرست							
غیر رسمی				رسمی			
فاقد تحصیلات عالی		تحصیلات عالی		فاقد تحصیلات عالی		تحصیلات عالی	
غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر	غیرفقیر	فقیر
۳۶/۵۹	۶۳/۴۱	۱۰۰	-	۷۸/۵۷	۲۱/۴۳	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

از مقایسه نتایج دو جدول شماره ۱۲ و ۱۳ ملاحظه می‌شود که بیشترین نرخ فقر کودکان مربوط به خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات عالی غیررسمی است.

۸) نتایج و یافته‌ها

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مناطق ۱۹ و سه به ترتیب در برگیرنده بیشترین و کمترین نرخ فقر در شهر تهران هستند. نرخ فقر در خانوارهای با جمعیت بالاتر، بیشتر است، همچنین شکاف و شدت فقر نیز با افزایش جمعیت خانواده افزایش خواهد یافت. نرخ فقر در خانوارهای با مشاغل غیر رسمی در هر دو حالت فقر کودکان و فقر خانوارها بیشتر از مشاغل رسمی است. نرخ فقر کودکان در هر دو دسته از مشاغل رسمی و غیر

رسمی بیشتر از نرخ فقر سرپرست خانوار است. نرخ فقر کودکان، نرخ فقر خانوار، شکاف و شدت فقر در خانوارهای دارای سرپرست خانوار فاقد تحصیلات عالی حدود دو برابر خانوارهای با سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی است. با افزایش تعداد کودکان در یک خانوار نرخ فقر کاهش می‌یابد، که این امر ناشی از تفاوت هزینه‌های مربوط به فرزندان زیر ۱۸ سال با بزرگسالان در خانوار است. با افزایش سن سرپرست خانوار نرخ فقر کودکان افزایش می‌یابد. نرخ فقر کودکان در خانوارهای زن سرپرست بیشتر است و این کودکان، در مقایسه با کودکانی که در خانوارهای مرد سرپرست به سر می‌برند، درمقابل فقر آسیب‌پذیرترند و بیشترین نرخ فقر کودکان مربوط به خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات عالی و غیررسمی است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فقر کودکان به شدت وابسته به ویژگی‌های سرپرست خانوار آن‌هاست. ارتباط بین درآمد خانوار و هزینه زندگی و ایجاد شرایط امن اقتصادی برای خانوارها، حیاتی‌ترین گام برای رفاه کودکان است. سیاست‌های کاهش فقر کودکان باید معطوف به ارتقاء سطح رفاه سرپرست خانوارها از طریق حمایت‌های قانونی از دستمزد سرپرست‌های خانوارهای محروم با تأکید بر اصلاح سطح دستمزدهای حداقل و بیمه‌های بیکاری باشد.

از آن‌جا که وضعیت رفاهی کودکان به شدت وابسته به محیط پیرامونی آن‌هاست، تغییر در مولفه‌های این محیط، می‌تواند ضمانت‌های لازم را برای خروج کودکان از وضعیت فقر در آینده نزدیک فراهم آورند. ارتقا قابلیت‌های فردی کودکان از طریق سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی آموزش و بهداشت و طراحی ساز و کارهایی است که حمایت از خانوارهای فقیر را مشروط به شرکت کودکان فقیرشان در آموزش‌های رسمی و بهره‌مندی از خدمات بهداشتی کنند.

- Bradshaw, J. (1997), "Child Welfare in the United Kingdom: Rising Poverty, Falling Priorities for Children", in G., A., Cornia and S., Danziger, (eds.), "Child Poverty and Deprivation in the Industrialized Countries", Clarendon Press. Oxford.
- Cornia A, G. (1997), "Child Poverty and Deprivation in Russia: Improvement, Standstill, and Retrogression", in G., A., Cornia and S., Danziger, (eds.), "Child Poverty and Deprivation in the Industrialized Countries", Clarendon Press. Oxford.
- Eamon, M K., Wu, Ch., Zhang S, (2009). "Effectiveness and limitations of the Earned Income Tax Credit for reducing child poverty in the United State", School of Social Work, University of Illinois at Urbana-Champaign, United States.
- Foster, J.E., Greer, J., & Thorbecke, E. (1984), "A Class of Decomposition Poverty Indices", *Econometrica*, 52, 761-6.
- Hauser-Cram, P., & Durand, T., & Warfield, M, E. (2007), "Early feelings about school and later academic outcomes of children with special needs living in poverty", Boston Callege, Lynch School of Educatoin, & Wheelock college, Boston, & Heller School for Social Policy and Management, Brandeis University, Waltham, MA, United states.
- Horenberg, C., & Pauli, A, (2007). "Child poverty and environmental justice", Department of Environment and health, School of Public Health, Bielefeld University, P.O. Box 100131 Bielefeld, Germany
- Orshansky, M. (1965), "Counting the Poor: Another Look at the Poverty Profile", *Social Security Bulletin*, 28(1), 3-29.
- Ravallion, Martin. (1994), "Poverty Comparisons", *Fundamentals in Pure and Applied Economic*, Vol. 56, Chur, Switzerland: Harwood Academic Publishers.
- Ravallion, Martin. (1998), "Poverty Lines in Theory and Practic" , LSMS Working Paper, No. 133, Washington D.C, The World Bank.
- Silva, M. (1997), "Child Welfare in Portugal Amid Fast Growth and Weak Social Policy", in G., A., Cornia and S., Danziger, (eds.), "Child Poverty and Deprivation in the Industrialized Countries", Clarendon Press. Oxford.